

شرق روزهانه

نگاره

اسرائیل در برابر پرسش‌های دشوار

با وجود همه تأکیدهایی که می‌شود مبنی‌بر اینکه حوادث و تحولات جاری در خاورمیانه در سال‌های اخیر در کل به نفع اسرائیل بوده و این رژیم توانسته است از همه آنها به نفع خود بهره‌برداری کند، مسائل دیگری هست که اسرائیل را در برابر پرسش‌های دشواری قرار می‌دهد.

درست است در این مدت ارتش‌ها و قدرت‌های استراتژیک منطقه، ازجمله عراق، سوریه و لیبی رو به زوال رفته‌اند، اما این مسائل هنوز نتوانسته است تهدیدهای خارجی و داخلی را از این رژیم دور کرده یا به همه خواسته‌هایی که داشت، برساند. یکی از چالش‌های مهم که تقریباً انتظارش نمی‌رفت، این است که همواره اسرائیل به‌عنوان حافظ منافع آمریکا به طور خاص و منافع غرب به طور عام، معرفی شده است. تاکنون این‌طور تصور می‌شد هرگونه ضربیه‌ای به اسرائیل به نفع همان قدرت‌های استراتژیکی خواهد بود که از آنها یاد شد.

اما آیا این سؤال هنوز به قوت خود باقی است؟ پاسخ این سؤال در گرو سؤال دیگری است و آن اینکه آیا آمریکا هنوز نیاز به چنین نقشی از سوی اسرائیل دارد؟ آن‌هم در شرایطی که دیگر آمریکا خود را نیازمند نفت خاورمیانه نمی‌بیند یا از سوی دیگر، اولویت استراتژیک این کشور از منطقه خاورمیانه به سمت خاور دور میل پیدا کرده است؟

یکی از مظاهر جدی‌بودن این پرسش، اختلافاتی است که هر از چندگاهی بین دولت آمریکا و بنیامین نتانیاهو درباره یادداشت تفاهم بر سر کمک‌های نظامی اسرائیل بروز می‌کند. مذاکرات برای تأیید این توافق نوامبر سال ۲۰۱۵ شروع شد. آن زمان باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا، به نتانیاهو پیشنهاد داد به‌زودی این گفت‌وگوها را شروع خواهد کرد، اما نتانیاهو نپذیرفت و به دلیل توافق هسته‌ای با ایران از میز مذاکره کنار کشید.

این تنش‌ها در چهار ماه گذشته به‌ویژه به دلیل اینکه اسرائیل شرایط آمریکا را نپذیرفته، بالا گرفته است. آمریکا می‌گوید در گذشته این قاعده مرسوم بوده که اسرائیل ۴۰ درصد از این کمک‌ها را خرج خرید تجهیزات اسرائیلی با دقتفا در کالاهایی هزینه خواهد کرد که اسرائیل آنها را تولید کرده باشد. این مبلغ به حدود ۱۰۲ میلیارد دلار از مجموع سه میلیارد دلار کمک‌های سالانه آمریکا می‌رسد و به‌ویژه به رشد صنایع نظامی اسرائیل کمک بزرگی می‌کرد. اما اکنون آمریکا به دو دلیل با خواسته‌های اسرائیل مخالفت می‌کند: یکی اینکه آمریکا با افزایش این کمک‌ها به چهار میلیارد دلار – چنان‌که اسرائیل می‌خواهد – مخالف است و دیگری اینکه آمریکا می‌گوید آن ۴۰ درصد باید صرف خرید کالاهای صرفاً آمریکایی شود، یعنی کالاهایی که در داخل آمریکا تولید شده است



طبعاً انگیزه آمریکا این است که به منافع خودش اولویت دهد نه دیگران، حتی اگر به سود اسرائیل تمام شود و این تحولی بزرگ و مهم در روند روابط آمریکا و اسرائیل تلقی می‌شود. یک مسئله داخلی دیگر هم اسرائیل را با چالش‌های سنگینی مواجه کرده است و آن نقش و کارکرد تاریخی رژیم صهیونیستی برای خود یهودیان است؛ مسئله‌ای که به نظر می‌رسد باید برای آن توجیهات جدیدی پیدا یا عوامل وجودی‌اش را بازتعریف کرد. منظور از این چالش، تعریف هویت «اسرائیل» در سایه پیچیده‌ترشدن روند مهاجرت‌های معکوس به خارج از اسرائیل است؛ همچنین به دلیل تشدید انگیزه‌های نژادپرستانه یهودیان شرقی و در بیش‌اییش آنها یهودیان اتیوپیایی‌تبار که به دنبال حقوق‌شان هستند. همه اینها یک پرسش را دوباره به میان کشیده و آن اینکه یهودیت یک دین است یا یک ملت؟ این مسئله با فراخوان‌هایی که خواستار تبدیل اسرائیل به یک رژیم یهودی است، بهای بیشتری به خود می‌گیرد. نتانیاهو به دنبال یک رژیم یهودی با وسعت تمام خاک فلسطین است به گونه‌ای که شامل همه مناطق فلسطینی شود.

کسانی که طرفدار یهودیت به‌عنوان یک ملت هستند در داخل دولت نتانیاهو و پارلمان اسرائیل تعدادشان زیاد است، اما مقابل کسانی هم هستند که با رد چنین ادعایی می‌گویند یهودیت فقط یک دین است. نزاع بین این دو اردوگاه روبه‌تشدید می‌رود و به‌ویژه با تشدید دشمنی نژادپرستانه با یهودیان شرقی خطرناک‌تر می‌شود. این نژادپرستی هرگونه ادعایی مبنی بر «قوم یهود» را باطل می‌کند و حتی پرسش‌هایی را در برابر مبلغان قومیت یهود و آرزوی انضمام کل کرانه باختری به اسرائیل و یهودی‌کردن این مناطق می‌گذارد.

نزاع‌های داخلی بین ارتش و دولت در کنار اعتماد مردم به ارتش، به گفته ژنرال کادی اینزکوت، تهدیدها را دوچندان کرده است. به‌ویژه بعد از رسوایی نفوذ یک هوایمایی بدون خلبان روسی که دو ماه پیش فضای جولان را در مناطق اشغالی سوریه درنوردید و سامانه «گنبد آهنین» اسرائیل نتوانست آن را سرنگون کند. تحولات و چالش‌هایی که از آنها یاد شد در حال حاضر ذهن استراتژیست‌های اسرائیل را به خود مشغول کرده است. اینها نشان می‌دهد اسرائیل آن‌طور که تصور می‌شود، در دورانی طلایی به‌سر نمی‌برد، بلکه حتی برعکس با پرسش‌هایی جدی مواجه است و در رأس آنها این پرسش که: اسرائیل به کجا می‌رود؟

منبع: **الاتحاد**

یادداشت

اردوغان به چه می‌اندیشد

«آیا سلطان اردوغان به فکر تجدید دوستی قدیمی خود با شیر دمشق (بشار اسد) با نزدیکی اخیر خود به ولادیمیر پوتین است؟ مطمئن باشید این‌گونه است». رابرت فیسک، تحلیلگر مشهور انگلیسی، در مطلبی درباره تمایل رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه، برای نزدیک‌شدن به دولت سوریه در ایندیندنت، می‌نویسد: «دوران پس از کودتای نافرجام ترکیه، حرف‌های زیادی برای گفتن داشت و شما می‌توانید این را از واکنش‌های دولت ترکیه به یک کشتار، فهرستی را که اردوغان از اصلی‌ترین دشمنان خارجی خود تهیه کرده، بفهمید».

کشتار دست‌کم ۵۰ کرد در یک میهمانی عروسی ازسوی یک عامل انحصاری در شهر غازلی آنتپ در روز شنبه، سربعا به گروه تروریستی داعش نسبت داده شد. اردوغان نیز گفت که داعش مقصر «احتمالی» این حمله است. مطمئناً این حمله به سابقه وحشتناک داعش هم‌خوانی دارد، اما مهمت شمشک، معاون نخست‌وزیر ترکیه، ابعاد دشمنان این کشور را گسترده‌تر کرد. او با توصیف این کشتار به‌عنوان یک کشتار «وحشیانه» -که مطمئناً این‌گونه بوده- فهرستی از گروه‌های «تروریستی» که ترکیه را هدف قرار می‌دهند، ارائه کرد: پ‌ک‌ک (حزب کارگران کردستان)، داعش و پیروان فتح‌الله کولن- روحانی تبعیدی و عجیب‌وغریب ترکیه‌ای ساکن آمریکا که از نظر اردوغان متهم شماره‌یک کودتای نافرجام ماه جولای است.

این فهرست همچنین نکات عجیبی نیز دارد. اگر پ‌ک‌ک در رده یکسانی با داعش به‌ویژه در واکنش به کشتاری علیه کردها ذکر شود، پس باید به یاد داشته باشیم ترک‌ها همچنین شبه‌نظامیان شجاع یگان‌های مدافع خلق کُرد در شمال سوریه را نیز به همان اندازه پ‌ک‌ک تروریسم می‌دانند، اما این یگان‌های مدافع خلق در جنگی که با داعش دارند، از حمایت نیروی هوایی آمریکا برخوردار هستند.

تعداد کمی از کردها باور دارند که دولت سوریه ارتباط مستقیمی با بمب‌گذاری و مراسم عروسی غازلی آنتپ داشته باشد، اما سلطان اردوغان بعد از سفرش برای دبدن تزار ولادیمیر پوتین در سن پترزبورگ ظاهراً بی برده است که ترکیه باید واقعاً فهرست دشمنانش را کوچک‌تر کند. درهمین‌حال چهره‌های مخالف سوری در ترکیه از شنیدن گزارش‌ها درباره مذاکرات سری دمشق با انکارا و همچنین اظهارنظر نخست‌وزیر ترکیه پیش از کودتای نافرجام و سفر اردوغان به سن پترزبورگ مبنی‌بر اینکه روزی روابط ترکیه با سوریه احیا خواهد شد با زنگ خطر روبرو شده‌اند. این روشن است که علاقه جدید اردوغان به روسیه هزینه‌ای داشته است. تزار مطمئناً با او درباره علاقه‌اش به بشار اسد و همچنین نقش ترکیه در تلاش برای نابودکردن دولتی که مسکو با نیروهای مسلحش از آن حمایت می‌کند، بحث کرده است. بنابراین آیا سلطان ترکیه به فکر تجدید دوستی قدیمی خود با شیر دمشق است؟ مطمئناً این‌گونه است. او اکنون بر ترکیه‌ای حکومت می‌کند که هرروز بیش‌تر از قبل شبیه به باکستان پس از آنکه در اوایل دهه ۱۹۸۰ حامی اصلی مجاهدین در افغانستان بود، می‌شود. در دمشق این مثل قدیمی وجود دارد که سوریه هرگز به هنگام پایان جنگ مثل قبل نخواهد شد، اما حقیقت این است که ترکیه نیز هرگز بعد از پایان جنگ در سوریه مثل قبل نخواهد بود. این جالب خواهد بود که ببینیم در آن روز رئیس‌جمهور ترکیه چه کسی است.

منبع: **ایسنا**



لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور سابق برزیل:

دوباره در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد می‌شوم

که دموکراسی و قانون اساسی برزیل را زیر پا بگذارد.

۴ چرا الان شما را متهم به فساد می‌کنند؟ آیا به خاطر نگرانی از نامزدشدن شما برای انتخابات سال ۲۰۱۸ است؟

من به قانون احترام گذاشته و در تمام دوران زندگی‌ام به دنبال سربلندی کشورم بوده‌ام. با دیکتاتوری مبارزه کردم و هدایت یکی از مهم‌ترین سندیکا‌های کارگری را برعهده داشتم. ما حزبی تأسیس کردیم تا صدای کارگران این کشور شنیده شود. حدود ۴۰ سال از زندگی من پیوسته در معرض تحقیق و بازرسی بوده است؛ بدون اینکه شما کاری غیرقانونی از سوی من سراخ داشته باشید. شاید آنها از ورود من به انتخابات ۲۰۱۸ ترس دارند. نمی‌دانم دلیل این کارشان چیست؛ ولی من کاملاً آرامش دارم.

۴ تفاوت اساسی بین الان و دوران ریاست‌جمهوری شما در سطح جهانی چیست؟ آیا جهان تفاوتی آشکار کرده است؟

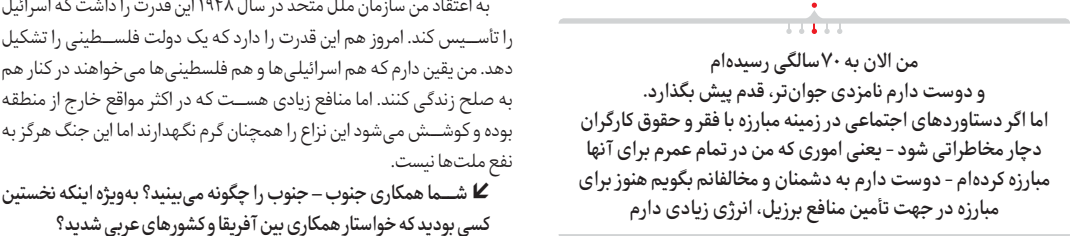
به نظر من دولت‌های جهانی با بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، بسیار بد برخورد کردند. در ابتدا، از طریق «گروه ۲۰» دولت‌های با اقتصاد بزرگ، سعی کردند بر همکاری‌ها افزوده و کمک کنند تا به یک سطح از تکامل تجارت جهانی و جلوگیری از فقر برسند و نهادهای چندملیتی را اصلاح کنند؛ اما بلافاصله همه این اصلاحات فقط در صندوق پول و بانک جهانی محدود شد. تنش بین دولت‌ها تشدید شد و زمانی که نیاز به همکاری بیشتر برای مقابله با چالش‌های جهانی مانند فقر، مشکلات پناهندگان، تروریسم، بحران اقتصادی و مشکلات زیست‌محیطی بود، این همبستگی‌ها کمتر شده بود.

۴ در درون حزب کارگر صحبت‌هایی درباره ریاست‌جمهوری شما در سال ۲۰۱۸ هست. تا چه میزان این حرف‌ها و شایعات صحت دارد؟ آیا واقعاً قصد نامزدشدن دارید؟

من الان به ۲۰سالگی رسیده‌ام و دوست دارم نامزدی جوان‌تر، قدم پیش بگذارد. اما اگر دستاوردهای اجتماعی در زمینه مبارزه با فقر و حقوق کارگران دچار مخاطراتی شود - یعنی اموری که من در تمام عمرم برای آنها مبارزه کرده‌ام - دوست دارم به دشمنان و مخالفانم بگویم هنوز برای مبارزه در جهت تأمین منافع برزیل، انرژی زیادی دارم.

۴ تجربه شما در توسعه برزیل برای بسیاری از کشورهای دیگر هم‌الهام‌بخش بود. آیا ممکن است این مسئله در جای دیگر هم تکرار شود.

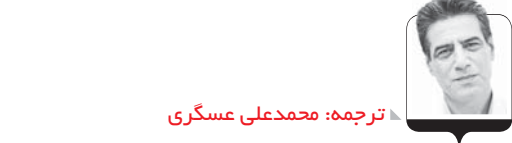
تجربه کاهش سطح فقر در برزیل توانست به هر دولتی نشان دهد که لزومی ندارد ما در درای از فقر و گرسنگی زندگی کنیم. طبعاً هر دولتی شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خاص خودش را دارد و با دیگر کشورها متفاوت است. ازاین‌رو در کنار اهمیت مطالعه و انتقال برنامه‌های اجتماعی مانند پلیس خانواده یا تغذیه مدارس و امنیت غذایی، کشاورزی خانوادگی و پیشنهادات دیگری ازاین‌دست که توانست برزیل را از دایره کشورهای گرسنه جهان طبق آمارهای سازمان ملل متحد خارج کند، دولت‌های دیگر باید از این برنامه‌ها به‌عنوان یک سکوی پرش یا منبع الهام استفاده کنند تا برنامه اجتماعی خاص خودشان را از طریق یک گفت‌وگوی دموکراتیک همه‌جانبه و فراگیر با جامعه پیدا کنند. به باور من همچنین لازم است فقرا در بودجه دولت‌ها جایی داشته باشند. همان‌طورکه تخصیص‌هایی برای سفیران، ارتش، بهداشت و آموزش درنظر گرفته می‌شود، لازم است برای فقرا هم تخصیص‌هایی درنظر گرفته شود. دولت‌ها باید کاری کنند که دیگر کودکی دچار گرسنگی نشود و باور کند در یک کشور قوی و امن زندگی می‌کند؛ کشوری که در آن غذا برای او وجود دارد. تا آنگاه بتواند برای ملتش درس بخواند و به شکلی کامل و پیوسته پیشرفت کند.



۴ آله آن و ...) آیا هدف‌شان تغییر نقشه جهان است؟ در مرحله نخستی که قدرت را به دست گرفتیم، من و وزیر خارجه یعنی سلسیو موریر، درباره ضرورت کار برای ایجاد تغییرات اندک در نقشه سیاسی و تجاری جهان بحث کردیم. در این راه ما اقدام به تأسیس بریکس (برزیل، هند، چین، روسیه و آفریقای جنوبی) کردیم، بعد «اسبا» را به وجود آوردیم که هدفش همکاری بین دولت‌های آمریکای جنوبی با کشورهای عربی بود. یکی دیگر «آپسا» بود که شامل برزیل، هند و آفریقای جنوبی می‌شود. یا «سیلاک» (مجموعه دولت‌های آمریکای لاتین و کارائیب) که به مثابه راهکاری برای همکاری بین آفریقا و آمریکای جنوبی در چارچوب همکاری‌های جنوب است. ما در حمایت و تقویت مجموعه ۲۰ مشارکت کردیم. بیش از ۵۰ درصد از کل ساکنان جهان در همین پنج دولت عضو بریکس زندگی می‌کنند.کاملاًیکه نهادهای جهانی نیازمند اصلاحات هستند تا به شکلی واقعی تجسم نقشه سیاسی قرن بیست‌ویکم باشند نه نقشه ۱۹۴۸؛ بنابراین باید شورای امنیت سازمان ملل متحد تلاش کند

کشورهای آفریقای و آمریکای لاتین را به این مجموعه اضافه کند.

۴ با وجود موفقیتی که شما داشتید، مهم‌ترین کوتاهی در برزیل چه بوده است؟



ترجمه: محمدعلی عسگری

لویس ایناسیو لولا داسیلوا هشت سال رئیس‌جمهور برزیل بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۰ بود. دورانی که برزیل شاهد شکوفایی اقتصادی بود و داسیلوا موفق شد تجربه‌ای تازه از عدالت، توسعه و نهادهاسازی دولتی ارائه دهد و چهره برزیل را دگرگون کند. سیاست‌های اجتماعی داسیلوا مبتنی بودند بر امنیت غذایی، حمایت از خانواده (پلیس خانواده)، بهبود فقر، توسعه زیرساخت‌ها، توجه به آموزش، بهداشت، مسکن، تغذیه کودکان در مدارس، کشاورزی خانوادگی، رستوران‌های مردمی، توسعه محیط‌های فرهنگی و ورزشی از طریق مشارکت‌دادن نهادهای خصوصی و دولتی و اجرای الگویی از بودجه مشارکتی در استان‌ها و مدیریت محلی. او بنیان‌گذار حزب کارگر برزیل و فردی خودساخته بود که از ترشاکاری به ریاست‌جمهوری رسید و به گفته خودش به صورتی جدی در جهت افزایش حقوق کارگران و رفیع رفاه‌مندی فقرا تلاش کرد. برزیل در دوران داسیلوا علاوه بر ایجاد رونق داخلی، به عضو فعال در نظام بین‌الملل تبدیل شد. سیاست‌های موازن در تعامل با قدرت‌های بزرگ و ایجاد ائتلاف‌هایی برای خروج از نظام تک‌قطبی جهان، بخشی از فعالیت‌های داسیلوا در دوران ریاست‌جمهوری‌اش بود. این مصاحبه در شرایطی تهیه شده که از یک سو برزیل میزبان مسابقات المپیک جهانی و از طرف دیگر دیلما روسف یار دیرین داسیلوا به اتهام فساد اقتصادی از کار برکنار شده بود.

۴ بعد از برکناری دیلما روسف، اوضاع برزیل را چگونه می‌بینید؟

دموکراسی جوان ما در برزیل دورانی از ضعف را سپری می‌کند. کودتای پارلمانی برای ما لحظات دشواری را به وجود آورد. بااین‌حال من امیدوارم دوباره کشور در مدتی کوتاه مثل گذشته به راه دموکراسی، همبستگی اجتماعی و توسعه اقتصادی سوق داده شود.

۴ آنچه اتفاق افتاد یک توطئه یا یک کودتا علیه مشروعیت بود؟

در قانون اساسی برزیل آمده است در صورتی رئیس‌جمهور عزل می‌شود که در حوزه مسئولیتش جرمی مرتکب شده باشد و این اصلاً اتفاق نیفتاده است. آنچه اتفاق افتاده یک کار انتقام‌جویانه و توطئه‌ای از سوی ادواردو کونیا، رئیس مجلس نمایندگان بود. چون حزب کارگر در کمیته مجلس ضد او عمل کرده و داشت درباره‌اش تحقیق می‌کرد. مسئله‌ای که اتفاق افتاد، جز یک کودتای پارلمانی نبود. توطئه‌ای که تأثیری منفی بر چهره برزیل در خارج گذاشت و ثبات دولت مرکزی و دولت‌های ایالتی را در کشور ما مخدوش کرد. من البته رای مردم را مقدس می‌دانم و نمی‌توان آن را چنان که مشاهده می‌کنیم، نادیده گرفت.

۴ آیا میشکل تمر؟ نقشی در برکناری روسف داشت؟ عملکرد دولت او را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به اعتقاد من میشل تمر به اختیاراتی که مجلس سنا به او داده، متعهد نیست. او باید مثل یک رئیس‌جمهور موفق عمل کند. اما می‌بینم در عمل طوری رفتار می‌کند که گویی رئیس‌جمهور نهایی است. تدابیری را اتخاذ می‌کند که به لحاظ ظاهر و باطن با خواسته‌های ملتی که دیلما روسف را انتخاب کرده بود، تعارض دارد. باید در جهت تولید اجتماعی و توسعه حرکت کرد؛ نه اینکه در جهت ازبین‌بردن دستاوردهای اجتماعی و حقوق کارگران فعالیت شود.

۴ آبرو روسف نتواند دوباره به قدرت برگردد، احساس می‌کنید ممکن است یک تحرک مردمی برای دفاع از دموکراسی شکل بگیرد؟

ملت برزیل برای دفاع از دموکراسی به اشکال گوناگون تظاهرات کرده است. نظرسنجی‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد اکثریت طرفدار یک انتخابات ریاست‌جمهوری جدید هستند. اما بگذارید بگویم دولتی که به صورت نامشروع و کودتاگرانه سر کار می‌آید، در گفت‌وگو با جامعه دچار مشکل خواهد شد و نمی‌تواند برزیل را در خارج نمایندگی کند.

دستاوردهای اجتماعی طبقات فقیر و کارگر از بین برود؟

در عمل نگرانی‌های زیادی وجود دارد. به نظر می‌رسد حتی قصد آن هست که همه این دستاوردها معکوس شود. دستاوردهایی که در سال‌های گذشته در زمینه آموزش، بیمه‌های اجتماعی و ... به دست آمده است.

۴ به نظر شما چنان که اعضای حزب کارگران می‌گویند، غرب و به‌ویژه آمریکا به خروج از این بن بست سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منجر شود؟

هیچ دلیل ملموسی برای این وجود ندارد. به‌سختی می‌توان گفت آمریکا یک بار دیگر مثل سال ۱۹۶۴ قصد سرنگون کردن یک دولت منتخب را داشته باشد. مسئله‌ای که اخیراً با کشف اسناد آمریکا در ارتباط با آن دوره آشکار شد. اما صرف‌نظر از اینها مشکل واقعی در بهاندان به ارزش‌های دموکراتیک است. ۴ به نظر شما آیا برگزاری یک انتخابات زودهنگام ریاست‌جمهوری می‌تواند به خروج از این بن بست کمک کند؟

پیشنهاد یک انتخابات زودهنگام یکی از پیشنهادهائی بود که دیلما روسف، رئیس‌جمهور مطرح و ملت هم از آن حمایت گسترده‌ای کرد. چون به نظر می‌رسد اکثریت مردم برزیل نیز به همین مسئله تمایل دارند.

۴ آیا حزب کارگر نیازمند یک استراتژی تازه است؟

به‌عنوان حزب و فرد باید بگویم همه نیازمند تجدیدنظر در مراحل مختلف زندگی هستیم. اما اشتباهات بزرگی که می‌گویند از سوی مخالفان بود. کسانی که نتوانستند ما را در صندوق‌های رای شکست دهند. برای همین به سراخ این رفتند